روایت زندگی مردم جنوب در روزهایی که جنگ؛ دریا، جاده، بیمارستان و خانه‌هایشان را نشانه گرفته است

صدای زندگی بلندتر از صدای انفجارهاست

بابک رحیمیان | می‌گویند با مردم کاری ندارند؛ اما وقتی موشک به جاده می‌خورد، چه کسی از رفتن به خانه و محل کار بازمی‌ماند؟ وقتی تأسیسات آب و برق هدف قرار می‌گیرد، چه کسی تشنه و در تاریکی می‌ماند؟ وقتی پل‌ها و تونل‌ها آسیب می‌بینند، چه کسی دیگر به مقصد نمی‌رسد؟ وقتی بیمارستانی که کودکان سرطانی در آن بستری‌اند، ناچار به تخلیه اضطراری می‌شود اگر جنگ با مردم نیست پس با کیست؟

موشک شاید به یک پل اصابت کند، اما اثرش به خانه‌های مردم می‌رسد؛ جنگنده شاید یک تأسیسات آب را هدف بگیرد اما تشنگی‌اش سهم روستاها می‌شود؛ شاید جاده‌ای را تخریب کند، اما مجروحی را از رسیدن به بیمارستان بازمی‌دارد.

در جنوب، مردم معنای این تناقض را با زندگی روزمره‌شان لمس می‌کنند، آنجا که ناخدا از ترس جان خدمه‌اش به دریا نمی‌زند، یک خانواده نان کمتری به خانه می‌برد، مردم در گرمای سوزان و بدون برق بی‌پناه می‌مانند و آنجا که پل و جاده آسیب می‌بینند و مسیر مدرسه، بازار، کار و درمان مسدود می‌شود.

برای مردم، تفاوتی ندارد موشک به خانه‌شان اصابت کرده باشد یا به زیرساختی که زندگی‌شان به آن وابسته است؛ وقتی زندگی مختل می‌شود، جنگ به خانه مردم رسیده است.

جنگ برای مردم جنوب فقط در خبرها اتفاق نمی‌افتد؛ در خانه‌هایشان و در جاده‌هایی که دیگر امن نیستند، در بیمارستان‌هایی که کودکان بیمار را نیمه‌شب جابه‌جا می‌کنند، در اسکله‌هایی که قایق‌ها از ترس به آن‌ها بازنمی‌گردند و در روستاهایی که آب و برقشان با یک حمله قطع می‌شود، جریان دارد.

در جنوب، مردم زیر آسمان جنگ زندگی می‌کنند؛ شاید صدای انفجارها بلند باشند، اما صدای مادری که فرزندش را آرام می‌کند، امدادگری که به دل حادثه می‌زند، پزشکی که کنار تخت بیمار می‌ایستد و مردمی که خانه‌هایشان را دوباره می‌سازند، بلندتر است.

این روایت مردمی است که جنگ به خانه‌هایشان رسیده، اما نتوانسته زندگی را از آن‌ها بگیرد.

قایق‌هایی که به کوچه پناه آورده‌اند

کوچه‌های تنگ و خاک‌گرفته بندرعباس این روزها میزبان میهمانانی غریبه‌اند؛ قایق‌های صیادی و لنج‌های چوبی کوچکی که تا همین چند روز پیش روی موج‌های خلیج فارس حرکت می‌کردند، حالا در پناه دیوارهای آجری و سایه‌بان‌های موقت خانه‌ها جا خوش کرده‌اند.

صیادان با دست‌های پینه‌بسته و پیشانی‌های عرق‌کرده، در گرمای طاقت‌فرسای تیر ماه، لنج‌هایشان را از آب بیرون کشیده‌اند و به کوچه‌ها آورده‌اند چون این لنج‌ها فقط چند تکه چوب و فلز نیستند بلکه دارایی بسیاری از خانواده‌های جنوبی‌اند که نان شبشان، شهریه مدرسه بچه‌ها، هزینه درمان، اجاره خانه و سفره‌ای که هر شب باید چیزی روی آن باشد از همین قایق‌ها تأمین می‌شود.

خوزستان؛ جنگ به بیمارستان رسید

خوزستان هنوز زخم‌های جنگ هشت‌ساله را با خود یدک می‌کشد و بسیاری از مردم این استان هنوز خاطره آژیرها، پناهگاه‌ها و شب‌های جنگ را به یاد دارند، با این حال، این بار صدای انفجارها به نزدیکی بیمارستان‌ها رسیده است.

در اهواز، موج انفجارهای ناشی از حملات، بیمارستان فوق‌تخصصی شهید بقایی۲ را به لرزش درآورد و متأسفانه کودکانی که با سرم و ماسک اکسیژن روزهای سخت درمان را می‌گذراندند، ناگهان با صدای انفجار و لرزش ساختمان مواجه شدند و آسیب به بخشی از زیرساخت‌های بیمارستان موجب انتقال اضطراری بیماران شد آن هم بیمارستانی که کودکان مبتلا به سرطان و بیماری‌های سخت خونی در آن بستری بودند.

انتقال کودکان بیمار در تاریکی شب، در میان ترافیک و نگرانی خانواده‌ها، یکی از تلخ‌ترین تصاویر این روزهای جنگ بود.

مادرانی که باید کنار تخت فرزندانشان می‌ماندند، حالا باید کپسول‌های اکسیژن و وسایل ضروری او را در مسیر انتقال حمل می‌کردند. کودکی که به‌سختی نفس می‌کشید، کودکی که بدنش توان مقابله با بیماری را نداشت، حالا باید با ترس از انفجار و جابه‌جایی اضطراری هم روبه‌رو می‌شد.

جنگ برای این خانواده‌ها فقط صدای بمب نیست؛ اختلال در درمان و تأخیر در رسیدن آمبولانس و جابه‌جایی تخت بیمار است؛ نگرانی از اینکه آیا دارو و تجهیزات پزشکی به‌موقع می‌رسد یا خیر؟

همزمان، در برخی مناطق مرزی خوزستان، تأسیسات ذخیره گندم و نهاده‌های دامی نیز آسیب دیدند؛ زیرساخت‌هایی که آسیب به آن‌ها فقط یک خسارت عمرانی نیست، بلکه مستقیماً با امنیت غذایی مردم ارتباط دارد.

> در جنوب، جنگ به دریا، جاده، بیمارستان، خانه و سفره مردم رسیده و در سرزمینی که سال‌ها با گرما، خشکسالی، طوفان و جنگ زندگی کرده است اما مردم همچنان چراغ خانه‌ها و امید را در دلشان زنده نگه داشته و صدای زندگی‌شان از جنگ بلندتر است

بمپور؛ آسمان سرخ بر فراز پادگان

در استان سیستان و بلوچستان نیز جنگ در هفته گذشته در شهرستان «بمپور» چهره‌ای خونین به خود گرفت.

بامداد چهارشنبه ۲۴ تیرماه، سکوت دشت‌های بمپور با صدای انفجارهای پیاپی شکست و پادگان آموزشی ۳۸۸ نیروی زمینی ارتش هدف حمله قرار گرفت؛ حمله‌ای که بخش‌هایی از پادگان را ویران کرد و خانواده‌های بسیاری را در سوگ نشاند.

شاهدان محلی از آسمانی می‌گویند که برای لحظاتی سرخ شد و بعد صدای انفجار همه منطقه را لرزاند. با قطع خطوط انتقال، پادگان و بخش‌هایی از اطراف در تاریکی فرو رفتند.

در این حمله، هفت سرباز و کادر پایور جان خود را از دست دادند؛ جوانانی که هر کدام برای خانواده‌ای، یک فرزند، برادر یا همسر بودند. در آمارها، عدد هفت ثبت می‌شود؛ اما پشت این عدد، خانه‌هایی قرار دارند که از آن شب به بعد، یک صدا کمتر در آن‌ها شنیده می‌شود.

چابهار؛ وقتی چشم بندر فروریخت

دشمن در چابهار نیز یکی از نمادهای توسعه منطقه را هدف حمله قرار داد و برج مراقبت دریایی بندر شهید کلانتری که سال‌ها بر فراز بندر ایستاده بود و مسیر کشتی‌های تجاری را هدایت می‌کرد به نابودی کشاند.

کمی آن سوتر، «کافه آزادی»؛ کافه‌کتابی که برای بسیاری از جوانان و اهالی چابهار پناهگاهی برای گفت‌وگو، مطالعه و فرار از روزمرگی بود به دلیل حملات ددمنشانه دشمن زیر آوار رفت، کتاب‌ها سوختند و بخشی از خاطرات این شهر بندری خاکستر شد.

گاهی جنگ فقط ساختمان‌های نظامی را هدف نمی‌گیرد؛ به مکان‌هایی هم می‌رسد که مردم در آن‌ها زندگی می‌کنند، گفت‌وگو می‌کنند، کتاب می‌خوانند و برای چند ساعت از خبرهای تلخ فاصله می‌گیرند.

در ایرانشهر نیز حمله به فرودگاه، بخش‌هایی از باند و تأسیسات سوخت را از کار انداخت؛ اتفاقی که روند امدادرسانی به مجروحان بمپور را دشوارتر کرد زیرا وقتی یک مسیر هوایی از کار می‌افتد، فاصله میان مجروح و بیمارستان بیشتر می‌شود؛ گاهی چند دقیقه در شرایط جنگی، به اندازه یک عمر اهمیت دارد.

هرمزگان؛ جاده‌هایی که به مقصد نرسیدند

در هرمزگان، جنگ فقط به مراکز نظامی محدود نمانده است و جاده‌ها و پل‌ها نیز به بخشی از میدان درگیری تبدیل شده‌اند.

در شهرستان خمیر، چند پل مواصلاتی و ترانزیتی هدف حمله قرار گرفتند و پل‌هایی که هر روز خودروهای باری، مسافران و مردم محلی را از روی خود عبور می‌دادند حالا به تکه‌هایی از بتن و آهن در دل مسیر تبدیل شده‌اند.

در دیگر نقاط استان نیز چهار نقطه از محورهای ارتباطی آسیب دیده و در این میان تونل شهید میرزایی در محور بندرعباس ـ حاجی‌آباد، پل رودخانه شور در مسیر بندرعباس ـ سیرجان و دو پل در محور سه‌راه میناب به سمت رودان از جمله زیرساخت‌هایی بوده که آسیب دیده است.

جاده‌ای که دیروز راه خانه و بازار بود، امروز به مانعی بزرگ برای رفت و آمد تبدیل شده است، از همین رو استانداری هرمزگان از مردم خواسته تا اطلاع ثانوی از ترددهای غیرضروری در جاده‌ها و محورهای مواصلاتی خودداری کنند.

حالا جاده‌ها فقط مسیر سفر نیستند؛ مسیر امدادرسانی‌اند و هر خودرویی که بی‌دلیل وارد یک محور آسیب‌دیده شود، می‌تواند حرکت نیروهای امدادی و خدماتی را دشوارتر کند.

سیریک؛ چند حمله در یک روز

اگرچه هنوز هم آمریکایی‌ها در مصاحبه‌هایشان حمله به غیرنظامیان را انکار می‌کنند، اما شدت گرفتن حملات دشمن از روز یکشنبه و به طور مکرر زندگی بسیاری از مردم را در جنوب کشور مختل کرده است.

برای مردم سیریک، تکرار حمله فقط به معنای تکرار یک خبر نیست، بلکه به معنای تکرار اضطراب، تکرار نگاه کردن به آسمان، تکرار تماس با اعضای خانواده و تکرار یک پرسش ساده است: «همه سالم هستند؟».

تشنگی روستاهای جاسک

در جاسک، حمله به تأسیسات برق و پمپ‌های آب‌شیرین‌کن اسکله روستای بونجی، آب شرب چند روستا در غرب این شهرستان را قطع کرده است.

در جنوب، آب فقط یک خدمت عمومی نیست؛ مسئله زندگی است. در سرزمینی که گرمای هوا می‌تواند از ۵۰درجه عبور کند، قطع آب یعنی دشوار کردن زندگی برای کودکان، سالمندان و خانواده‌هایی که شاید راه دیگری برای تأمین آب نداشته باشند.

مسئولان اعلام کرده‌اند ارزیابی خسارت ادامه دارد و تلاش برای بازگرداندن پایداری شبکه آب شرب در کوتاه‌ترین زمان ممکن در جریان است.

تپه الله‌اکبر؛ زخمی که باقی ماند

در بندرعباس، حمله به دکل مخابراتی در محدوده تپه الله‌اکبر، بافت مسکونی اطراف را نیز تحت تأثیر قرار داد.

در میان قربانیان این حادثه، زنی جان خود را از دست داد و کودک خردسالش به‌شدت مجروح شد. برای نجات جان این کودک، پزشکان ناچار به انجام جراحی سنگینی شدند.

جنگ برای این کودک دیگر فقط صدای انفجار نیست بلکه زخمی است که قرار است تمام عمر با او بماند.

این همان جایی است که آمار دیگر کافی نیست، نمی‌توان زندگی یک کودک را در یک عدد خلاصه کرد، نمی‌توان درد یک مادر را با تعداد مجروحان توضیح داد؛ جنگ در اینجا چهره‌ای دارد که در اتاق بیمارستان، پشت درهای بسته و در کنار تخت یک کودک دیده می‌شود.

در منطقه حفاظت شده طارم نیز پاسگاه محیط‌بانی سیدجوذر آسیب دیده و در قشم و کیش هم قطعی‌های مکرر برق، شب‌های مردم را طولانی‌تر کرده است آن هم در روزهایی که گرمای جنوب بدون برق و وسایل سرمایشی، خود به یک بحران تبدیل می‌شود.

در اینجا خاموشی فقط خاموش شدن چراغ نیست؛ یعنی خانه‌ای که در گرمای سنگین شب، دیگر کولر ندارد، کودکی که نمی‌تواند بخوابد، سالمندی که هوای گرم را تحمل می‌کند و خانواده‌ای که هر بار با قطع برق، نگران خراب شدن وسایل ضروری زندگی‌اش می‌شود و همه این اسناد یعنی دشمنی دیرینه با مردم ایران!

بوشهر؛ شب‌های پرصدای خلیج فارس

در بوشهر نیز صدای انفجارها بارها مردم را از خانه‌ها بیرون کشیده و انفجارهای پیاپی در نقاط مختلف استان، شیشه‌های خانه‌ها را لرزانده و مردم را نگران کرده است.

استانی که نیروگاه‌ها، بنادر و تأسیسات مهم اقتصادی و نظامی را در خود جای داده، این روزها در معرض فشار مضاعف جنگ قرار دارد؛ فشاری که آثار آن فقط در نقاط هدف دیده نمی‌شود و زندگی روزمره مردم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مسیرهایی که باید خلوت گذاشت

در هرمزگان، حملات از حوالی جاسک و بندرعباس تا جزیره هرمز و لارک همچنان خبرساز است و گزارش‌های محلی از اصابت موشک به دکل مرکز کنترل ترافیک دریایی حکایت می‌کند.

در چنین شرایطی، مسئولان از مردم خواسته‌اند از سفرهای غیرضروری خودداری کنند. هشدار، ساده به نظر می‌رسد، اما برای بسیاری از مردم جنوب، جاده بخشی از زندگی روزانه است؛ مسیر کار، مدرسه، بازار، درمان و دیدار با خانواده، اما لازم است سفرها را به تعویق بیندازند تا مسیرها خلوت بماند و نیروهای امدادی بتوانند بدون مانع به مناطق آسیب‌دیده برسند.

میان صدای انفجار و صدای زندگی

در روزهای جنگ، مردم جنوب فقط با خطر حمله روبه‌رو نیستند، آن‌ها همزمان باید گرمای سنگین، کمبود آب، اختلال در برق، دشواری رفت و آمد و نگرانی از آینده را هم تحمل کنند اما زندگی متوقف نشده است.

در کوچه‌های بندرعباس، قایق‌ها هنوز کنار خانه‌ها هستند، صیادان هنوز به لنج‌هایشان سر می‌زنند و به دریا نگاه می‌کنند، در بیمارستان‌ها، پزشکان هنوز بر بالین بیماران ایستاده‌اند، امدادگران هنوز در جاده‌های آسیب‌دیده کار می‌کنند، نیروهای راهداری هنوز به دنبال مسیرهای جایگزین‌اند، خانواده‌ها هنوز برای کودکانشان غذا آماده می‌کنند و مادران هنوز کنار تخت فرزندانشان بیدار می‌مانند.

در خانه‌هایی که برق رفته، مردم با پنکه‌های دستی و هر وسیله‌ای که دارند، گرما را تحمل می‌کنند، در روستاهایی که آب قطع شده، چشم‌ها به تانکرها و وعده بازگشت آب است، در جاده‌هایی که پل‌هایشان آسیب دیده مردم به دنبال مسیر دیگری برای رسیدن به مقصدند.

جنگ آمده است تا زندگی را متوقف کند؛ اما زندگی حتی در سخت‌ترین روزها راهی برای ادامه پیدا می‌کند.

شاید صدای انفجار بلند باشد، اما صدای مادری که کنار تخت فرزندش دعا می‌خواند، صدای امدادگری که در تاریکی به سمت محل حادثه می‌رود، صدای صیادی که هنوز قایقش را تعمیر می‌کند و صدای مردمی که خانه‌های آسیب‌دیده‌شان را دوباره سرپا می‌کنند، بلندتر است.

در جنوب، جنگ به دریا، جاده، بیمارستان، خانه و سفره مردم رسیده و در سرزمینی که سال‌ها با گرما، خشکسالی، طوفان و جنگ زندگی کرده است، مردم همچنان چراغ خانه و امید را در دلشان زنده نگه داشته و پای حراست از میهن اسلامی ایستاده‌اند تا آنجا که صدای زندگی‌شان از جنگ بلندتر است.

جدول ۹۴۹۴

طراح: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

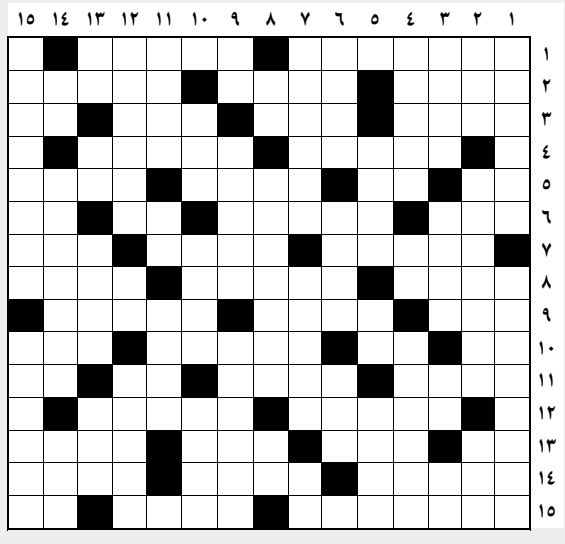

افقی

۱. مقبره - مجلس ازدواج ۲. با آغاز فصل گرما، بایستی مراقب شیوع این بیماری باشیم - شتر تندرو - نخ بافتنی ۳. پروازکننده - سبیل- بخشی از بریتانیا - چوب خوشبو ۴. سرزمین افراسیاب - نام پسرانه وطنی ۵. خاک کوزه‌گری - تکرار یک حرف - توزیع‌کننده - پاندول ۶. صوت تنبیه - برابر فارسی آن گویانه است - شهر توت - صوت ندا ۷. بیان شده - افسانه‌گو - جمع دُر به معنی مروارید ۸. سهل و ساده - آنچه از میت به‌جا ماند - لامپ دوالکترودی ۹. ابزار کار داور - کارتن ضخیم - گام‌ها ۱۰. هزار کیلو - سوغاتی اصفهان - خبرگزاری دانشجویان ایران - از جزایر ایرانی خلیج همیشه فارس ۱۱. نام قدیم رودخانه ولگا - چاره و علاج - خدای سنگی - واحد واکسیناسیون ۱۲. یادبود - فنی در ورزش کشتی ۱۳. راه کوتاه - قرض و دین - میان بدن - دودمان پادشاهی چین از سال ۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ میلادی که پس از فروپاشی پادشاهی مغولان یوآن بنیان گذاشته شد ۱۴. روزانه - پروتئین گیاهی - قانون مغولی ۱۵. شاعر دوران مشروطیت - افق - سودای ناله

عمودی

۱. افسانه - کنایه از خداوند متعال است ۲. عقیده انتخاباتی - کیف آقای مهندس - جواب های ۳. وسایل - ریشه گرفتن - آب بسته- تلخ ۴. ناپسند شرعی - رودخانه اروپایی - درگیر شده ۵. سالک - ترش و شیرین - داستان وسوسه آدم و حوا در این سوره آمده ۶. عمل کردن - کودن - واحد کوچک وزن ۷. شبیه و نظیر - شهرت - عدد خیطی ۸. سودای ناله - رکود و سکون - کجاست؟ ۹. ارجمندی - مو خشک‌کن برقی - نوعی کفپوش ساختمانی ۱۰. هوش و ذکاوت - جا - گریختن ۱۱. نمایندگان - آب ناشنوا - شایسته ۱۲. مجموعه دستگاه‌ها، شعب و کارمندان یک اداره یا یک مؤسسه - وحشی و درنده - امن کردن ۱۳. دریا - کجاست؟ - چند دیه - مرزبان ۱۴. درخت زبان گنجشک - قوی - سوره زنان ۱۵. محافظ شخصی - موقع حساس
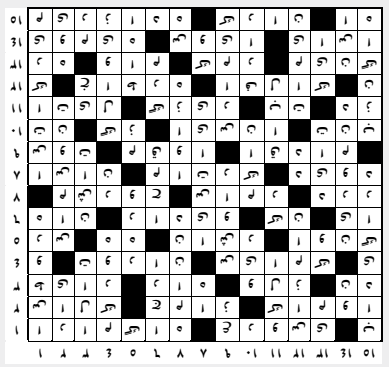
حل جدول